



<http://www.arianafghanistan.com>

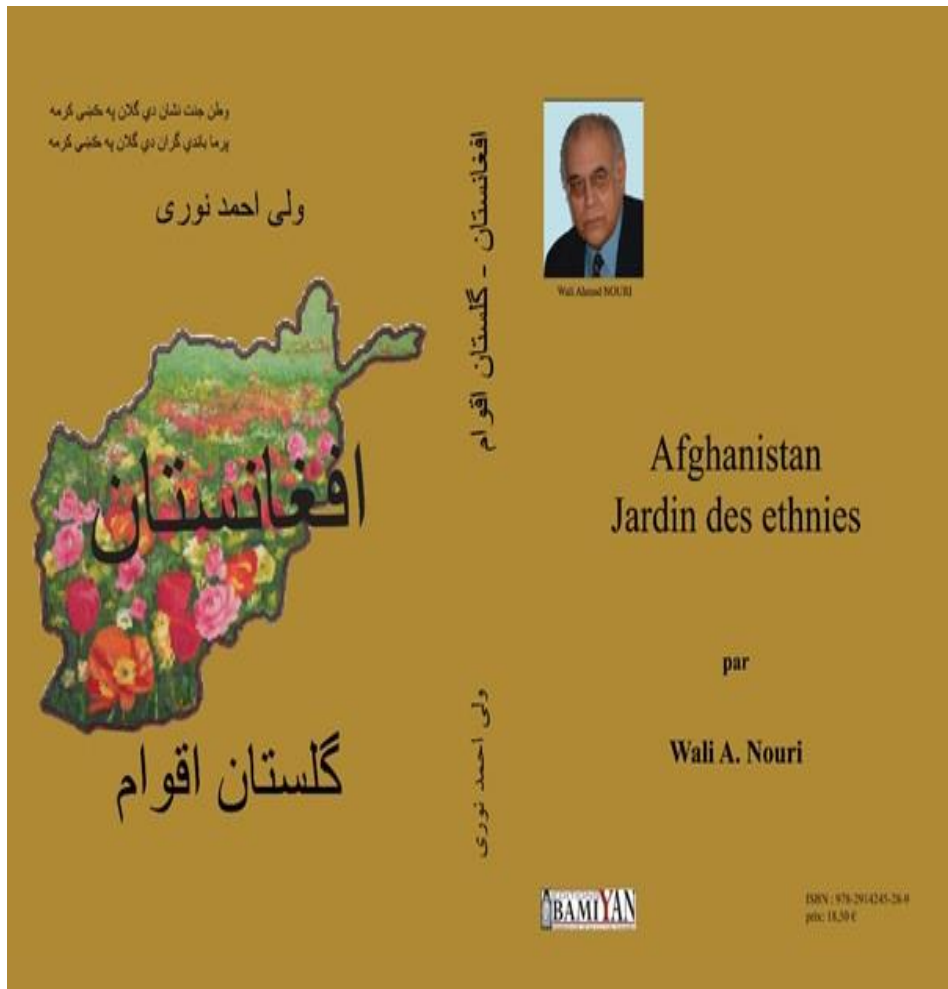


۲۰۱۸/۰۷/۱۲

ولی احمد نوری

افغانستان گلستان اقوام

قسمت بیست و پنجم



افغانستان گلستان اقوام

قسمت بیست و پنج

به یاد وطن

از

میر محمد طارق (طاهر)



ای عزیزان باز اندر سر هوای میهن است مرغ دل بار دگر نالان ز هجر گلشن است

در خیال دیدن آن سر زمین، افغانستان سینه بریان، دیده گریان همچو ابر بهمن است

بس حکایت هایی که دارد دل به یاد دوستان ناله سر کردست همچون نی، جدا از نیستان

شوق دیدار گل و گلشن به سر آورده است آرزوی دیدن یار و هوای گلستان

گر چه ناز و نعمت اینجا فراوان بوده است هم میسر شیر مرغ و جان انسان بوده است

باز هم یاد وطن بود ست در خاطر مرا عشق میهن مرهم قلب پریشان بوده است

دور از میهن جهان تنگست و گلشن چون قفس کی توان غافل زیادش بود حتی یک نفس

گر کسان خواهند درو گوهر بیگانه را ذره خاکی مرا زان کلبه ویرانه بس

خاک میهن سرمه چشم وطنخواهان بود سنگ کوهش بهتر از صد لولو و مرجان بود

بر جهانی من نبخشم خاک پاک میهنم از جهان دیگر چه خواهم چون جهانم آن بود

زاد گاهم، میهن من، مکتب علم و خرد سجده گاهم ، گلشن من، سجده بر خاکت سزد
خاک "افغان" زاد گاه شیر مردان دلیر سردهد هر دشمنی کو بر حریمش پا نهد

در شجاعت نام نیکش بر فراز آسمان تاج غیرت بر سرش بنهاده تاریخ جهان
چون نگین بر تاج او باشد هرات باستان مهد علم و دانشست آن زاد گاه عارفان

هر قدم خاک گهر بارش مکان اولیاست مرقد نام آوران و مهد مردان خداست
مرد حق چون خواجه انصار کو فیض درش بینوایان را نوا و بی پناهان را پناست

(ظاهر) از خاک دیارش بس گهرهاچیده است در کرامات جنابش رحمت حق دیده است
نور لطفش حامی وی بوده اندر حادثات همچو خورشیدی به شام تار او تابیده است

یارب از فیض کراماتش بفضل کردگار ملت افغان رهائی یابد از این گیر و دار
پاک گردد از نفاق و ظلم و وحشت خاک ما نغمه صلح و صفا آید بگوش از هرکنار

